معرفی کتاب

«تاریخ‌نگاری آنفولانزای ۱۹۱۸ ایران؛ مجموعه مقاله‌هایی دربارهٔ دنیاگیری این آنفولانزا و وضع آن در ایران»[1]

فرید قاسملو[الف، ب*]

[الف] گروه حکمت-طب سنتی و طب دوران تمدن اسلام و ایران، فرهنگستان علوم پزشکی، تهران، ایران
[ب] گروه تاریخ علم، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، تهران، ایران

پس از بروز همه‌گیری کووید۱۹ در جهان و ایران، این فرصت برای سیر مطالعات تاریخ پزشکی در کشورمان پدید آمد تا علاوه بر مورخان پزشکی، گروه وسیعی از متفکران، مترجمان و مؤلفان دست‌به‌قلم شده و از جنبه‌های گوناگون به بررسی این بیماری و نیز دیگر بیماری‌های همه‌گیر رخ‌داده در کشورمان بپردازند. شاید بتوان گفت در این روزگار و فنا، یکی از **"دانش‌هایی"** که باید از بروز همه‌گیری کووید۱۹ **"خوشحال!"** باشد تاریخ پزشکی است که این همه ادبیات علمی دربارهٔ تاریخ پزشکی را شاهد است که در کشورمان و به زبان فارسی پدید آمده است.

از سوی دیگر بدیهی است که پرداختن به تولید آثاری در زمینهٔ تاریخ همه‌گیری‌ها در ایران و نیز گزارش‌های جامعه‌شناسانه، مردم‌شناسانه و روی‌هم‌رفته آثاری که بروز بیماری کرونا را در فضایی غیر از "راه شناسایی و درمان" بررسی می‌کنند اتفاقی نیست. روشن است که مورخان پزشکی با این نیّت به عرصهٔ تاریخ‌نگاری بیماری‌های همه‌گیر پرداخته‌اند تا نشان دهند: ۱) گرفتار شدن مملکت به موضوع بیماری همه‌گیری مهلک برای نخستین‌بار نیست که در تاریخ معاصر کشورمان پیش می‌آید و ۲) تاریخ چگونه می‌تواند به حل مشکل پیش‌آمده در کشور (مدیریت کنترل این بیماری همه‌گیری که همهٔ کشور دچار آن شده) کمک کند؟

به روایت دیگر با استفاده از نمونه‌های تاریخی چگونه می‌توان مدل امروزی برای کنترل این بیماری همه‌گیر طراحی کرد؟ آیا سامانهٔ بهداشت و درمان کشورمان در دهه‌های گذشته دچار مشکل مانند مشکل امروز شده؟ اگر پاسخ مثبت است، راهکار مدیران وقت این سامانه بوده و در حل مشکل موفق بوده‌اند؟ و نیز اینکه گرفتار شدن مشکلی این‌چنینی چه تغییری در رفتار مدیران کلان کشور داشته و آیا بروز مشکل دست‌آوردی نیز برای کشور داشته است؟

این موضوع که عرصهٔ تاریخ پزشکی کشورمان (شامل پژوهشگران این عرصه، مدیران و نظریه‌پردازان رشتهٔ پزشکی در دانشگاه‌های کشور و روی‌هم‌رفته مخاطبان عرصهٔ تاریخ پزشکی کشور از فرصت پیش‌آمده برای رشد ادبیات علمی عرصهٔ تاریخ پزشکی چه استفاده‌ای می‌کنند؟ موضوعی است که فقط باید به آن امیدوار بود و آینده دربارهٔ آن داوری کرد. آنچه در زمان حال (هنگام تألیف این مقالهٔ مروری) ضروری می‌نماید. کوشش برای مخاطب‌یابی این ادبیات علمی و استفاده از فرصت برای معرفی این ادبیات علمی برای مخاطبان آن است.

بر همین منوال، باید گفت اواخر تابستان ۱۳۹۹ خورشیدی، مجموعه مقاله‌هایی دربارهٔ آنفولانزای ۱۹۱۸ ایران (که به آنفولانزای اسپانیایی مشهور شد) به فارسی منتشر شد. این

کتاب حاوی ۶ مقاله (چهار مقالهٔ پژوهشی، یک مقالهٔ دایره‌المعارفی و یک گزارش) همگی دربارهٔ تاریخ‌نگاری آنفولانزای ۱۹۱۸ و اثر آن در ایران است.

همان‌گونه که در مقدمهٔ کتاب آمده، سه مقالهٔ نخست گردآمده، همگی ماجرای بروز و گسترش این بیماری را در سطح جهان بررسی می‌کنند. این مقاله‌های سه‌گانه به قلم فرد.ون هارستولد (Fred.R. Van Hartes Veld)، نیال جانسون (Niall P.A. Johnson)، یورگن مولر (Jurgen Muller)، کی.پترسن (K.D. Patterson) و جرالد پایل (Gerald.F. Pyle) به تفصیل موضوع چگونگی بروز آنفولانزای ۱۹۱۸ و گسترش آن در جهان و موج‌های سه‌گانهٔ آن را به بحث گذاشته‌اند. به‌ویژه جدول‌ها و نقشه‌های طرح‌شده در این مقاله‌ها حاوی داده‌های مهمی دربارهٔ کشتار این بیماری در قاره‌ها و نقاط مختلف جهان است. این سه مقاله، حجمی در حدود چهل درصد از کل کتاب را به خود اختصاص می‌دهند و البته آنچه برای پژوهشگران تاریخ پزشکی در ایران از مطالعهٔ این سه مقاله آموزنده است (علاوه بر داده‌های تحلیلی، منظم و مفصلی که در لابه‌لای مقاله‌ها وجود دارد) از جمله آن است که پس از گذشت دهه‌ها از بروز و فروکش آنفولانزای ۱۹۱۸ در جهان پژوهش‌های جدی دربارهٔ آن همچنان در جهان انجام شده است. این سه مقاله، در سال‌های ۱۹۹۱، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۸ میلادی تألیف شده‌اند. به‌روایت دیگر، مقالهٔ تألیف‌شده در سال ۲۰۰۸ میلادی (تألیف‌شده توسط ون هارستولد) دقیقاً ۹۰ سال پس از بروز آنفولانزای ۱۹۱۸ پدید آمده است. تاریخ، اینجاست که ویژگی منحصربه‌فرد خود را در میان علوم مختلف انسانی نشان می‌دهد. اگر گذشته چراغ راه آینده است (که البته است!) باید به تفصیل به بررسی و تحلیل مشکلی که یک قرن پیش از این کرهٔ زمین را آزرده است پرداخت، فراز و فرود مدیریت (یا نابخردی‌های روی‌داده در مواجه با آن، همانند آنچه در صفحهٔ ۱۹ کتاب دربارهٔ کتمان شدت کشتار بیماری توسط مسئولان یکی از شهرهای آمریکا آمده) را تحلیل کرد و البته امیدوار بود این پژوهش‌های گذشته‌نگر، برای استفاده در مدیریت مشکلات بعدی (همانند آنچه امروزه دنیا گرفتار آن است)، به‌کار آید. بخش ایرانی کتاب، درست در میانهٔ آن و از صفحهٔ ۷۲ با بازنویسی که ویلم فلور (W. Floor) (پژوهشگر ایران‌شناس هلندی اکنون ساکن در ایالت متحده) از گزارش نلیگان (A.R. Neligan) پزشک سفارت بریتانیا در تهران تهیه کرده بود، آغاز می‌شود. فلور در مقدمهٔ خود بر این گزارش، مختصری از چند آنفولانزای رخ‌داده در ایران پیش از سال ۱۹۱۸ به‌دست داده و مطالعهٔ این گزارش فلور نشان می‌دهد (با توجه به ارقامی که او از کشتار این موج‌های آنفولانزایی تا پیش از ۱۹۱۸ و با استفاده از منابع ایرانی و غیرایرانی جمع‌آوری کرده است) آنفولانزا تا پیش از ابداع راهکارهایی برای خنثی‌سازی مرگ‌آوری آن، چه قتل عام‌ها که در ایران نکرده است.

گزارش نلیگان، از آن جهت که کمتر از دو سال از شیوع آنفولانزای ۱۹۱۸ (به روایت دقیق‌تر سپتامبر ۱۹۲۰) تهیه شده، سند بسیار بسیار مهمی دربارهٔ این بیماری در ایران است. به‌ویژه، کوششی که در نلیگان (از جمله در صفحهٔ ۸۸) در روشن‌سازی چگونگی ورود بیماری به ایران به‌خرج داده، خواندنی است. در نبود سامانه‌ای حافظ سلامتی ایرانیان و مدافع آنان در برابر ورود بیماری به کشور، چه ساده مردم ایران به‌وسیلهٔ این بیماری کشتار می‌شده‌اند. در جدولی افزوده شده به گزارش نلیگان (صفحه۹۳) که به‌نظر می‌رسد کار نلیگان نیست و بعداً به گزارش او افزوده شده، نکته‌ای تلخ، حیرت‌آور و البته آموزنده وجود دارد؛ تقریباً ۴۶/۲ درصد از جمعیت کل آن روزگار شهر بم براثر آنفولانزای ۱۹۱۸ جان خود را از دست داده‌اند. موضوع درصد مرگ‌ومیر از کل جمعیت مناطق درگیر بیماری، موضوع مهمی است که تقریباً در همهٔ مقاله‌های طرح‌شده در این کتاب مورد توجه قرار گرفته و موضوع روزآمدسازی و تصحیح این نرخ، به‌ویژه در بخش مقاله‌های مربوط‌به جهان، مورد تأکید مؤلفان این مقاله‌ها بوده است.

از میان مقاله‌های گردآمده در کتاب مورد معرفی ما این گزارش یک بار دیگر نیز (به‌صورت ترجمهٔ فارسی) منتشر شده بود اما به‌درستی در کتاب حاضر جای گرفته و باز چاپ شده است[۲].

مقالهٔ پنجم (باعنوان «تعدیل قوانین: دنیاگیری آنفولانزا و تجربهٔ ایران در سال ۱۹۱۸» به تألیف امیرارسلان افخمی) که در سال ۲۰۰۳ میلادی منتشر شده است اثری درخور دربارهٔ بررسی آنفولانزای ۱۹۱۸ در ایران است. در بین همه داده‌های متنوع موجود در این مقاله، حداقل دو نکته، بسیار آموزنده است؛ یکی آنکه افخمی در این مقاله تخمین می‌زند (در بیشینهٔ وقوع) این بیماری ۲۱ درصد کل جمعیت آن وقت ایران را کشتار کرده است. رقمی که از نظر درصد مرگ‌ومیر در سطح جهان (و در بررسی همهٔ مناطق درگیر آنفولانزای ۱۹۱۸) بسیار قابل‌توجه، و در سطح جهان از همه بیشتر بوده است و دیگر آنکه برهم‌افزایی این آنفولانزا با دو بیماری دیگر و دو مشکل اجتماعی موجود (به‌ترتیب، مالاریا و کم‌خونی؛ قحطی و مصرف بسیار زیاد تریاک در کشور) چه بلایی برسر کشور آورده است. این نکتهٔ طرح‌شده به‌وسیلهٔ افخمی که به‌ویژه بر تأثیر و برهم‌افزایی آنفولانزا بر کشتار مالاریا پرداخته: یک دلیل مهم تاریخی براین نتیجه‌گیری تاریخ پزشکی است که به‌نظر می‌رسد مالاریا را می‌توان مهم‌ترین بیماری با تأثیرات مهم اجتماعی در کشور به‌شمار آورد و البته بر گردن ما می‌گذارد که جدی‌تر به تاریخ‌نگاری مالاریا در ایران بپردازیم.

آخرین مقالهٔ این مجموعه باز هم به نوشتهٔ قلم افخمی است. مدخل آنفولانزا، که از نسخهٔ برخط این دانش‌نامه گرفته شده است (تاریخ تألیف، سپتامبر ۲۰۱۴ میلادی) و البته در ذات خود هم‌پوشانی‌هایی با مقالهٔ پیش‌گفتهٔ افخمی نیز دارد. اما همچنان بسیار خواندنی است و البته در ساخت یک مقالهٔ دایره‌المعارفی دارای داده‌هایی آموزنده و جالب است.

گفتنی اینکه مرور مقاله‌های گردآمده در این کتاب، یک نکتهٔ دیگر را به ما می‌آموزد و آن، تفاوت سطح مقاله‌های تاریخ پزشکی داخل و خارج کشور است. امروزه چند مجله (عموماً دارای امتیاز علمی- پژوهشی) در کشور وجود دارند که سالانه ده‌ها مقاله در عرصهٔ تاریخ پزشکی را به چاپ می‌رسانند. اما مقایسهٔ روش پژوهش، منابع مورد استفاده، نتایج و دغدغه‌های طرح‌شده در این مقاله‌ها با آنچه در شش مقالهٔ طرح شده در کتاب تاریخ‌نگاری آنفولانزای ۱۹۱۸ ایران آمده چیزهای بسیاری را به ما می‌آموزد که شاید خدا خواست و مورد توجه مدیران عرصهٔ تاریخ پزشکی در ایران (از جمله اعضای بورد مربوط به این رشته در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) نیز قرار گرفت.

در نهایت گفتنی است که کتابی دیگر (در گروه ادبیات علمی مربوط به کرونا اما خارج از فضای نگاه درمانی به آن) منتشر شده که آن را نیز باید به فال نیک گرفت؛ مجموعه مقاله‌هایی دربارهٔ کرونا و بیماری‌های همه‌گیر گردآوری‌شده به‌وسیلهٔ دکتر داریوش رحمانیان و با مشخصات زیر:

داریوش رحمانیان و زهرا حاتمی، درآمدی بر تاریخ کرونا و بیماری‌های همه‌گیر، اصفهان، نشر خاموش، ۶۲۳ صفحه، شابک: ۷-۶۹۴۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸.

یکی از کارهایی که پیش از فروکش کردن کرونا و به‌وسیلهٔ کتابداران خوب است که انجام شود، تهیهٔ کتاب‌شناسی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی است که طی دوران بروز کرونا و به‌وسیلهٔ پژوهشگران علوم انسانی تهیه و تألیف شده‌اند. باشد که فرصت تهیه این کتاب‌شناسی هرچه زودتر فراهم آید.

پی‌نوشت:

[1] تاریخ‌نگاری آنفولانزای ۱۹۱۸ ایران؛ مجموعه مقاله‌هایی دربارهٔ دنیاگیری این آنفولانزا و وضع آن در ایران»؛ تألیف امیرارسلان افخمی؛ ویلم فلور و دیگران، ترجمهٔ کتایون وحدت و حمیدرضا بختیاری ۱۴۸ صفحه، انشارات چوگان، تهران تابستان ۱۳۹۹ خورشیدی، شابک: ۰-۸۱-۸۶۶۷-۶۰۰-۹۷۸»

[2] در کتاب: مطالعاتی در تاریخ پزشکی ایران؛ گردآوری و تألیف ویلم فلور، ترجمهٔ ایرج نبی‌پور و کتایون وحدت، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر ۱۳۹۷ خورشیدی.